



۱۰

قیصر در شعر پس از انقلاب اسوه است

پرونده کوچک جام جم برای شصت و یکمین سالروز تولد قیصر امین پور

فصل تولد تو باید بهار باشد

۱۰

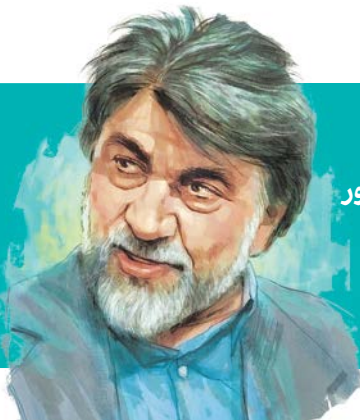
اکران آنلاین «آخرین داستان» در روسیه



۱۲

فرهنگ

سه‌شنبه: ۲ اردیبهشت ۱۳۹۹ :: شماره ۵۴۰



بوم و رنگ

نمایشگاه آنلاین شیشه‌گران

بِهزاد شیشه‌گران نمایشگاه نقاشی مجازی با عنوان کرونا برقرار می‌کند.

این نخستین نمایشگاه مجازی این هنرمند نقاش نیست و او پیشتر نیز بارها آثارش را به همین شیوه در فضای مجازی به نمایش گذاشته بود.

در همین راستا شیشه‌گران درباره علت برگزاری این نمایشگاه توضیح می‌دهد: در قرنطینه در شرایط نامطمئن و بی‌ثبات و بحرانی در این روزهای کرونایی این سوال را برای خود یافته‌ام که زندگی هنری من بی‌حرفه‌ام به چه کاری می‌آید؟ هنر با دل آدمی با درون آدم‌ها پیوند دارد و من افتخارم در این است که نیم‌قرن با این دل پیوند دارم.

نمایشگاه مجازی نقاشی‌های بهزاد شیشه‌گران در صفحه‌های این هنرمند در شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام، فیس‌بوک و تلگرام از روز گذشته آغاز شده و برای مدت حدودا ۱۵ روز، هر روز یک اثر هنری به نمایش گذاشته می‌شود. / ایسنا



به بهانه تولد آنتونی کوئین نگاهی داریم به ۲ بازی ماندگارش در محمد رسول... (ص) و عمر مختار

از شکارچی شیر تا شیر صحرا

عکس: سایت آ‌آ‌ام‌دی‌بی

انتشار کتاب جدید بشیر حسینی

کتاب «حرفی به قدر کفایت» نوشته حمید شکرز اوایل و سید بشیر حسینی به‌زودی توسط انتشارات سروش منتشر و وارد بازار نشر می‌شود.

نویسندگان این کتاب تلاش کرده‌اند در چارچوب نهج البلاغه، تمام نقطه‌نظرات امام علی (ع) درباره ارتباط کلامی و نیز شیوه‌های ارتباط کلامی ایشان را براساس روش تحلیل محتوای کیفی، جمع‌آوری و تحلیل کنند. به این ترتیب، این کتاب اولین اثری است که علوم ارتباطات را به کتاب نهج البلاغه پیوند می‌زند و براساس یک نگاه علمی، دنبال استنباط و اکتشاف مدلی از پدیده ارتباط کلامی است.

حمید شکرز یکی از نویسندگان این اثر می‌گوید «حرفی به قدر کفایت» حاصل بیش از دو سال تلاش و مطالعه بوده و نتیجه پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشدش بوده است. این پژوهشگر کتاب خود را با راهنمایی حسینی، در سه فصل کلی نوشته است.

در نوشتن این کتاب از ۳۶ منبع معتبر استفاده شده است. / مهر

ترانه در مسیر تهران - لس آنجلس

اظهار نظر تند و تیز یک ترانه‌سرای لس آنجلسی درباره ترانه‌های زنده‌یاد افشین یداللهی، شهر موسیقی را حسابی به هم ریخته است آیا اهالی مهاجر موسیقی ایران با بغضی تاریخی برای پیشرفت جوانان موسیقی در داخل ایران حسرت می‌خورند؟

به پا خواهد شد. چرامی‌گوییم مشخص بود؟ چون دیگر کاملا قابل پیش‌بینی شده که عده‌ای منتظر دعوی بزرگان هستند تا خودشان را وسط بیندازند و شلوغش کنند. این فضا، بارها در شبکه‌های اجتماعی تجربه شده است. حالا با توجه به این که یکی از طرفین دعوا دستش از دنیا کوتاه است، بروز احساسات غلیظ نیز به ماجرا افزوده شده و عده‌ای اخلاق رایا‌آوری می‌کنند که بداللهی همیشه از قنبری تعریف می‌کرده و حالا او چرا بر سر پیکر بداللهی حرمت نگه نداشته است. قنبری نسبت به سه چهار نفر از ترانه‌نویس‌های داخلی اظهار نظر کرده اما در این میان، واکنش‌هایی که او بیشتر با وجه‌المنازعه قرار دادن زنده‌یاد بداللهی صورت گرفته است، شاید با این دست‌و‌پاز اخلاقی که خب کسی که در بین ما نیست، محق تر است. اما با این که مطلقا نباید تن به این بازی سخیف داد و حتما باید احترام بزرگان را حفظ کرد، در این میان می‌توان وارد تحلیل شد تا از قبل آن شاید نکته‌ای عاید ترانه‌نویسی امروز ایران شود. دامنه‌دار شدن انتقادهای تند و تیز از جانب اهالی موسیقی خارج‌نشین به موسیقی‌ای که در داخل کشور تولید می‌شود،

خب... فضا برای صف‌کشی کاملا مهیا شده است. حالا شما دو نفر را داری که بتوانید پشت‌شان پنهان شوید و به همدیگر سنگ پرتاب کنید. شماهایی که همیشه کمین کرده و منتظرید بزرگی، بزرگی دیگر را بنواز د و از کمینگاه‌تان بپرید وسط و بنا به قاعده این دعواها، پشت یکی بایستید و آن دیگری و هوادارانش را به باد انتقادهای بی‌منطق بگیرید؛ غافل از این که در این دعوا دین بزرگی و درباره البته کاش هیچ‌گاه اصلا درگیرند، این شما یک‌دیگر بازنده خواهد بود. این شما یک‌دیگر که با خنج‌کشیدن بی‌رحمانه به صورت بزرگان و رعایت نکردن شان و شخصیت آنان، بازنده این نزاع سخیف خواهید بود. باز هم چنین فضایی برای به جان هم افتادن برخی فراهم شده است. یک ترانه‌نویس از آن سوی جهان در لایو اینستاگرامی، نسبت به زنده‌یاد افشین بداللهی، اهورا ایمان و... که آنها هم ترانه‌سرا بودند نقدی وارد کرده و البته از دایره ادب خارج شده است. با انتشار بخش‌هایی از این بخش زنده و دست‌به‌دست شدن آن، مشخص بود که گرد و خاک

گروه ادبیات و هنر

البته. این در حالی است که چند نفر از خواننده‌های ایرانی مقیم آمریکا بارها درباره خواننده‌های داخلی با لحنی ستایش‌آمیز سخن گفته‌اند. علاوه بر این چه بسیار خواننده‌هایی از داخل ایران که برای برپایی کنسرت راهی لس‌آنجلس- یعنی جایی که اهالی مهاجر موسیقی ایران اغلب آنجا زندگی و فعالیت می‌کنند- می‌شوند و سالن‌های کنسرت‌هایشان بسیار بیشتر از سالن‌های خواننده‌های مقیم آنجا پرمی‌شود. از این روست که می‌شود در این میان جریانی را رصد کرد که شاید نسبت به نماینده‌های موسیقی داخل ایران با بغض و حسرت می‌نگرد. بالاخره آنها ممکن است ۴۰ سال پس از مهاجرت، حالا وضع موسیقی پاپ در داخل را ببینند و از خودشان پرسند ما بنا به دلایل خودمان کشور ترک کردیم و حالا جوان‌ها همان جاکاری را می‌کنند که ما می‌خواستیم بمانیم و صورت بدهیم. البته برخی از انتقادهای ترانه‌سراهای خارج از ایران بابت رفتار غیرحرفه‌ای که برخی اهالی موسیقی در ایران با ترانه‌هایشان صورت داده‌اند محق‌اند، منتها آن بخش از حرف‌های مهاجران موسیقی ایران درباره موسیقی داخل کشور که گویی بیشتر از سر بغضی است انتقدی سازنده، کاملا غیرمنطقی می‌نماید. این در حالی است که ترانه‌سراها و اهالی جوان موسیقی در داخل ایران طبعاً انتظار دارند از پیشگسوتان خود پدرانگی ببینند. دوست دارند آنها که پیشگسوت‌اند، درصدد انتقال تجربه برآیند که کینه‌توزی و دامن‌زدن به جنال با آوردن نام‌هایی از ترانه‌سراهای دیگر.

نشانه چیست؟ چه پاسخ‌هایی برای این پرسش می‌توان یافت؟

حسرت می‌خورند؟

هنوز یک‌ماه از آمدن شهیار قنبری بر سر خط اخبار بابت انتقادش از بنیامین بهادری و اجرای ترانه «بوی عیدی» در برنامه «دوره‌می» نمی‌گذرد که بار دیگر آقای ترانه‌نویس صد‌نشین اخبار مرتبط با موسیقی در داخل ایران شده یک خواننده خارج‌نشین گفته بود موسیقی پاپ تولید داخل بداللهی اظهار نظر کرده و شهر را به هم ریخته است. حالا عده‌ای در دفاع از شان ترانه‌نویسی بداللهی، سینه‌چاک کرده‌اند و به قنبری حمله می‌کنند و عده‌ای دیگر در جبهه مقابل، حمله به بداللهی را ادامه می‌دهند و از شان و کسوت قنبری دفاع می‌کنند. در میانه این نزاع مجازی، امامی‌توان رویکردی نه‌چندان نوظهور را هم رصد کرد. پیش از اینها نیز یک خواننده خارج‌نشین موسیقی پاپ تولید داخل چیزی برای گفتن نداشته و در عوض اهالی مهاجر این موسیقی روند پیشرفته‌تری را طی کرده‌اند. نقل به مضمون

تاییدش نیست. مفتاحی در توضیح دسترسی آسان تر فعالان موسیقی داخلی به مواردی که نیاز دارند، می‌افزاید: «موسیقی داخلی ما قابل دفاع است چون اینجا ما با جریان پویای برگزاری کلاس‌های متعدد موسیقی و نیز نشست‌های پژوهشی برای ترانه‌نویسی روبه‌رویم؛ جریانی که فعالان موسیقی در خارج از کشور چندان تجربه‌اش نکردند». شاعر مجموعه شعرهای «آخرین انسان» و «سکوت سهم جبرچیرک هاست» همچنین در پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان انتقادهای تند و تیز و گاه بی‌منطق فعالان مهاجر موسیقی را به حساب بغض و حسرتی تاریخی قلمداد کرد، می‌گوید: «طبیعی است. تا آنجا که احساس همدردی هم می‌توان با آنها کرد. از سر همین احساس است که گاه می‌توان در حرف‌هایشان غرض‌ورزی هم دید. دوره او جشن سپری شده؛ در دوره‌ای که ما دچار خلأ تنوع در تولید موسیقی بودیم، این فقط آنها بودند که به گوش می‌رسیدند اما حالا حق انتخاب فراوان است و بنابراین کار آنها هم سخت‌تر شده و کمتر توجه می‌بینند هر چند هنوز هم کار بزرگان شنیدنی است. با این حال سخت است آنجا زندگی کنند و ببینند خواننده‌های مختلف در ایران اینقدر طرفدار دارند. این را هم بگویم که بسیاری از اظهارنظرهای غیرمنطقی و غرض‌ورزانه را آدم‌ها در کهن‌سالی‌شان صورت می‌دهند. در سال‌خوردگی، آدم بی‌تاب‌تر است و محافظه‌کاری را کانار می‌گذارد. در کل این غرض‌ورزی خارج و داخل ندارد البته. مثلاً چندسال پیش محمدعلی بهمنی در واکنش به آلبوم ابراهیم محسن چاوشی حرف‌هایی زد که منتقدانه نبود، بنابراین این غرض‌ورزی‌ها منحصر به خارج از کشور نیست.»

۲۰ سال عبادت یک شب به باد میره

حامد عسکری

شاعر و نویسنده

اولین بار که دیدمش یک کت و شلوار گردویی پوشیده بود با موهایی لخت که از وسط باز شده بود و ریشی آکادر شده، در فرهنگسرای ابن‌سینای شهرک غرب. کتاب اولم تازه منتشر شده بود و تازه دو سال بود که آمده بودم تهران و کسی را نمی‌شناختم. جلسات ترانه‌خوانی بود عصرهای پنجشنبه، می‌رفتم و می‌نشستم و می‌شنیدم و یاد می‌گرفتم. آن روز که جلسه تمام شد با همان نگاه شوخ و اهلی گفت: حواسم هست چند وقته می‌ایم، اگر اثری دارین بیارین بخونین. گفتم وقت هست حالا اومدیم یاد بگیریم. گفت می‌نویسی؟ گفتم بله یک کتاب هم دارم. گفت اسمت؟ گفتم حامد عسکری. بغلم کرد و کیف چرمی‌اش را باز کرد و گفت حال و هوایی از ترنژ و بلوچت را دارم و توی همین جلسه هم بارها از کتابت خوانده‌ام برای بچه‌ها... افشین بداللهی را می‌گویم؛ افشین که عزیز بود و محبوب همه و زود رفت. افشین بداللهی برای من نماد صبر و حوصله و برنامه و دقت بود. بارها در مهیبت‌ترین پیچ‌های تاریخی و سیاسی و اجتماعی که همه چیز را زنگ گردانده بود، در جلسه‌اش به کرات ترانه‌هایی خوانده‌شد که هر کس دیگری جز افشین بداللهی بود برای همیشه یک جنگ اوس و خزرج راه می‌افتاد. دوست شاعری که زندگی‌اش به گیر و گره خورده بود و نیاز مالی داشت در اینستاگرام کتابخانه ارزشمندش را گذاشته بود برای فروش؛ کتاب‌هایی که هر کدام ریشه جگرش بودند. افشین به دوستی زنگ زده بود که بگو پستش را حذف کند مگر ما مرده‌ایم تو بخوای کتابخانه بفروشی؟! اگر آن تصادف لعنتی اسفندماه نبود افشین بداللهی برای زندگی‌اش خیلی برنامه‌ها داشت. دریا که مرگ امانش نداد. همه جور آدمی با همه جور سلیقه‌ای می‌شد توی جلسه‌اش پیدا کنی و شدیدترین نقدها و بحث‌ها را به خوبی مدیریت می‌کرد. بزرگان ترانه دهه ۵۰ و ۶۰ کوچ کرده‌ها و از دنیا رفته‌ها را محترم می‌شمرد و با احترام یاد می‌کرد. حالا سال‌ها گذشته. افشین بداللهی هنوز ترانه‌هایش رو زبان‌ها... توی خوشنویسی‌ها. در پست‌ها و کانال‌ها دست به دست می‌شود و این استقبال یعنی افشین بداللهی راهش را درست رفته و شوخی نیست. آداب رانمردی و قوت نامه‌های جهان را که ورق بزنی همه از گذشت و راستی و نیکی و ادب حرف می‌زند با زنده‌ها... کسی که دستش از دنیا کوتاه است و قدرت دفاع و پاسخ و انقاع ندارد که تکلیفش معلوم است. طبیعی هم می‌نماید تا حدودی. آن سال‌هایی که مخاطبان جدی و حرفه‌ای موسیقی چشم می‌مالیدند تا از آن ور آب‌ها کاست و آلبومی برسد گذشته. واردات موسیقی ما میل کرد به سمت صادرات موسیقی و ترانه ما و بسیاری از تولیدات ارزشمند آن ور آب این‌ور نطفه‌شان بسته می‌شود. و خب طبیعتاً این به مذاق خیلی‌ها خوش نمی‌آید و بغل بساطشان بساط‌کردن اذیتشان می‌کند.

گفت‌وگو با محمد مفتاحی، شاعر و ترانه‌پژوه درباره ترانه‌نویسی در داخل و خارج از کشور

وضع ما بهتر است

محمدمفتاحی را به شعرها، ترانه‌ها و پژوهش‌هایش در ادبیات فارسی می‌شناسیم. او البته مدتی است علاوه بر فعالیت‌هایش در نوشتن شعر و نقد و تحقیق ادبی، جدی‌تر و منسجم‌تر از پیش بر پژوهش ترانه‌نویسی متمرکز شده است. مفتاحی در بخش نشست‌های پژوهشی سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر نیز حضور داشت و درباره روند ترانه‌سرایی در تاریخ موسیقی ایران سخنرانی کرد. از این رو یکی از کسانی است که می‌تواند با نگاهی دقیق به پرسش‌های گزارش ما پاسخ‌گوید.

مفتاحی که نخستین کتاب شعرش را سال ۱۳ با نام «بن‌بست» منتشر کرده، معتقد است در چنین قضاوت‌هایی باید بی‌طرف بود. او می‌گوید پژوهش وقتی موفق تر است که با بی‌طرفی همراه باشد؛ «بزرگان هنر، قابل احترامند چون بر تاریخ هنر ما موثر بوده‌اند. گاهی هم اگر صحبتی می‌کنند که برخورنده است باید با احترام با آنها رفتار کنیم. از سوی دیگر کسی نباید نسل ترانه و موسیقی داخل ایران را نادیده بگیرد، اما هم کسانی که به جریان ترانه‌نویسی در ایران نقدی وارد می‌کنند و هم کسانی که درباره اظهارنظرها واکنش نشان می‌دهند صرفاً باید در محدوده نقد بمانند و از توهین بپرهیزند. جبهه‌بندی در این باره به نفع هیچ‌کس نخواهد بود». ترانه‌سرای آلبوم‌هایی چون «نقش‌ها» و «شهر نیستی» به خوانندگی علی مومنیان در پاسخ به این سوال‌ها که آیا وضع ترانه‌نویسی در داخل ایران نسبت